

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدين بوم وير زنده يك تن من مباد
همه سر به سرتن به کشنن دهيم
از آن به که کشور به دشمن دهيم

Literary - Cultural	البي - فرهنگي
---------------------	---------------

نعمت الله مختارزاده
شهر، آسن آلمان

آزادی

به گوش جان شنیدم ناگهان ، پیغام آزادی
خرس وحدت عالم ، بلند بام آزادی
پشارتها ، که از مغرب ، طلوع شمس معنا شد
شب تاریک ما روشن ، سحر شد شام آزادی
سپاه نور در جولان ، به تتویر همه عالم
سلاح صلح در هر آن ، پی اکرام آزادی
شکست قفل در ، از خانه تقیید میراثی
که تا هر زائری برتن ، کند احرام آزادی
سجود هرگز روانبود ، به محراب جنون پرور
مقام عرش دل ظاهر ، ز استشمام آزادی
زلال صدق می ریزد ، ز جام و ساغر وحدت
عیبر و مشک می بیزد ، صفاتی نام آزادی
خراب و خسته راه محبت را ، چه پروایی
به هر سُستی دهد مستی ، شراب ناب آزادی
امیر لانه فقرم ، انیس رنج و درد و غم
سمند سرکش عشقم ، و لاکن رام آزادی
تبه شد عالم انسان ، ز بیداد جفا کیشان
چو شیخ و مجتهد دائم ، پی اظلام آزادی
اگر قاضی و خارنوال و یا، مقتی شدی واعظ
تنور جهل شان سوزد ، بسی اقلام آزادی
بلند پردازی طبع ، حقایق را بیان دارد
که ملا ، بد رگ و بد نام و هم بد کام آزادی
به خلوت پیر شیطان و به مسجد رهبر مردم
به دست هر خبیث افتاده سر انجام آزادی
چو کفتار و پلنگ و گرگ و زاغ وباسه و کرگس
نشسته در کمین هریک ، که تا اتمام آزادی
و لاکن بیخبر از همت والای افغانی
که دارد پنجه فولاد ، چون صمصم آزادی

گروهی روز و شب کوشای وطن بیچاره تر گردد
پی افغان و افغانی ، شده سرسام. آزادی
بیا ای تبعه افغان ، تو ای پشتون و ای تاجیک
هزاره ، ازبک و غیره ، به استسلام. آزادی
بیا ای شیعه و سُنّی ، یهود و گبر و نصرانی
بهایی و برهمایی ، به استحکام. آزادی
بیا تا یک بشر باشیم و عالم یک وطن گردد
شبان. حق شده ظاهر ، و ما اغnam. آزادی
و تو ای اشرف مخلوق ، بنما خدمت. همنوع
که تا این عالم فانی ، شود فرزام. آزادی
بیا ای هموطن ، دست و دلی بردار ، از اشرار
ضمیر. خویشن روشن کن از انعام. آزادی
ز تار و پود و نقد جان ، حریر. جامه وحدت
رسای قامت. سرو و گل. اندام. آزادی
مُعتبر عالم امکان ، معطر خاطر. انسان
مشجر روضه ایمان ، کن از الهام. آزادی
صریر. خامه حکمت ، حفیف. سدره رحمت
خدا بر ما کند قسمت ، که تا اعلام. آزادی
به میدان عمل «نعمت» ز صدق. دل نما خدمت
که این همت دهد حشمت ، به هر قُدّام. آزادی